

# تالاب انزلی را از مرگ نجات دهید

جلال ایجادی



امروز در شمال ایران، فقدان مدیریت درست، دریای مازندران را به یک دریای آلوده و جنگل‌ها را طعمه زمین‌خواران و ساختمان‌سازی و جاده‌کشی دولتی ساخته است. تالاب انزلی نیز آهسته آهسته زیر فشار دو هزار و ۸۰۰ قایق موتوری و آلودگی‌های صوتی آنها و نبود اقدامات پاکسازی و لایروبی، آلودگی آب، تخریب جایگاه‌های طبیعی پرندگان، هجوم زمین‌خواران و افزایش نیترات در درون آب و بالاخره نبود یک پایش دولتی پیایی به بحران بی‌سابقه‌ای کشانده شده است.



طبیعت ایران ویران می‌شود. تالاب‌ها یکی پس از دیگری بیمار و گاه برای همیشه خشک می‌شوند و تالاب انزلی در بحران است، بیمار است و ثروت‌های خود را به مرور از دست می‌دهد.

تالاب بین‌المللی انزلی با حدود ۲۰ هزار هکتار یکی از برجسته‌ترین زیستگاه‌های پرندگان مهاجر و از مکان‌های تخم‌ریزی گونه‌های متنوعی از ماهیان دریای خزر و رویشگاه گیاهان گوناگون آبی از جمله نیلوفر آبی است.

در زمانی نه چندان دور اردک، قو، چنگر، خوتکا، طاوسک، قرقاول، کبک، آبی، آبچرار، غوص، تنجه، عقاب دم سفید، آکراس و غاز پیشانی سفید کوچک تنها بخشی از صدها گونه پرنده‌ای بودند که تالاب انزلی پناهگاه‌شان بوده است. در میان آنها، قو، طاوسک، تنجه، عقاب دم سفید، آکراس، غاز پیشانی سفید کوچک و فیل وش (نوعی مرغابی) جزو گونه‌های شکار ممنوع و حفاظت شده بودند و این‌همه گنجینه طبیعی عامل تعادل زیستگاهی است، ولی امروز دیگر نمی‌توان در این مورد مطمئن بود، زیرا تالاب انزلی در بحران بی‌سابقه‌ای است.

استان گیلان در گذشته به خاطر وجود تالاب انزلی از مهم‌ترین مناطق جوجه‌آوری پرندگان مهاجر و بومی و در خاورمیانه از اهمیت بالایی برخوردار بود. اکوسیستم این منطقه و پیوند جنگل و دریا، زمینه

مناسبی جهت تنوع و گونه‌گونی زیستنی فراهم آورده و تالاب انزلی به گنجینه اکوسیستم برجسته‌ای تبدیل شده بود.

امروز در شمال ایران، فقدان مدیریت درست، دریای مازندران را به یک دریای آلوده و جنگل‌ها را طعمه زمین‌خواران و ساختمان‌سازی و جاده‌کشی دولتی ساخته است. تالاب انزلی نیز آهسته آهسته زیر فشار دو هزار و ۸۰۰ قایق موتوری و آلودگی‌های صوتی آنها و نبود اقدامات پاکسازی و لایروبی، آلودگی آب، تخریب جایگاه‌های طبیعی پرندگان، هجوم زمین‌خواران و افزایش نیترات در درون آب و بالاخره نبود یک پایش دولتی پی‌اپی به بحران بی‌سابقه‌ای کشانده شده است.

عمق تالاب انزلی در گذشته حدود هشت متر بود که امکان صید هفت تا هشت تن ماهی در آن وجود داشت، اما امروز این عمق به یک و نیم تا دو متر کاهش یافته و به ویژه سرشار از آلودگی شده است.

✘ تالاب انزلی به مرداب زباله‌ها تبدیل میشود زیبائی طبیعی تالاب انزلی

۱۶ سال است که تالاب انزلی مسیر خود را به سرایش مردابی شدن آغاز کرده و مرگ تدریجی تالاب شاه ایران شروع شده است. عرصه تالاب، آرام آرام کوچک‌تر میشود و آب، جای خود را به نیزار و نیزار جای خود را به زمین خشک می‌دهد. مجموعه‌ای از عوامل طبیعی مانند کاهش باران و عوامل مخرب انسانی دست به دست هم داده‌اند تا تالاب را مرداب کنند.

هنوز تالاب مقاومت می‌کند و چهره وحشی خود را نگه داشته است ولی در همان زمان زیر فشار عوامل ویرانگر عقب‌نشینی می‌کند. پایش‌های کم دامنه در مورد پرندگان انجام میشود و با کمک راهنمایان منطقه‌ای انواع پرنده‌ها با توجه به چگونگی پرواز، شکل ظاهری، رنگ پرها و بال‌ها، اندازه بدن، رفتار و آواز آنها، طرز پرواز، زمان پرواز، با برج‌های دیدبانی و با استفاده از دوربین‌های شکاری و تلسکوپ و دوربین عکاسی و فیلمبرداری صورت می‌گیرد، ولی این پایش‌ها همراه با اقدامات بازسازی و پاکسازی همراه نیست و روند تخریب پُرسرعت است. فقدان بودجه مدیریت و ترمیم و استفاده‌های گردشگری نابهنجار همراه با آلودگی آب تالاب و تخریب محل تخمگذاری‌ها شرایط را دشوار کرده است.

امروز در شمال ایران، فقدان مدیریت درست، دریای مازندران را به یک دریای آلوده و جنگل‌ها را طعمه زمین‌خواران و ساختمان‌سازی و

جاده‌کشی دولتی ساخته است. تالاب انزلی نیز آهسته آهسته زیر فشار دو هزار و ۸۰۰ قایق موتوری و آلودگی‌های صوتی آنها و نبود اقدامات پاکسازی و لایروبی، آلودگی آب، تخریب جایگاه‌های طبیعی پرندگان، هجوم زمین‌خواران و افزایش نیترات در درون آب و بالاخره نبود یک پایش دولتی پی‌اپی به بحران بی‌سابقه‌ای کشانده شده است.

به قول دکتر اسماعیل کهرم به دلیل تخریب زیستگاه‌ها و دخالت‌های غیر مسئولانه نظیر ساخت کنار گذر در تالاب انزلی، وضعیت زیستگاه‌های زمستان‌گذرانی پرندگان به شدت تنزل پیدا کرده است و شمار پرندگان مهاجر به‌ویژه پرندگانی که از شوروی سابق به ایران می‌آیند ۹۰ درصد کاهش یافته است. سه دهه پیش زمانی که تالاب‌ها هنوز تخریب نشده بود شمار پرندگان مهاجری که از سمت شوروی آن زمان به ایران می‌آمدند ۵/۵ میلیون قطعه برآورد می‌شد، اما این آمار الان بالغ بر پانصد هزار پرنده است، زیرا اغلب تالاب‌ها و ایستگاه‌های زمستان‌گذرانی پرندگان خشک و تخریب شده است.

وی با اشاره به اینکه تالاب انزلی تقریباً خشک شده و از تالاب سیاه کشیم و سلکه چیزی باقی نمانده که ایستگاه پرندگان مهاجر باشد، تصریح می‌کند: تالاب بوجاق هیچ‌گاه محلی برای زاد و ولد پرندگان نبوده است به‌ویژه اکنون که بخش عمده این تالاب تخریب شده و از یک سو، برداشت شن و ماسه از اراضی این تالاب بیداد می‌کند و از سوی دیگر، بخشی از این تالاب تبدیل به زباله‌دانی شده است. (رجوع شود همشهری ۲۵ مرداد ۱۳۹۱)

روند تخریب تالاب به سرعت به پیش می‌رود و متأسفانه اقدامات لازم برای نجات آن وجود ندارد. ببینیم عوامل ویرانگری کدامند؟

✘ آرامش تالاب انزلی قایق‌های موتوری منبع آلودگی و خرابی

## ورود فاضلاب و زباله به تالاب انزلی

از مهم‌ترین دشواری‌های تالاب بین‌المللی انزلی، ورود آلاینده‌های آبی و خاکی مانند شیرابه‌های زباله‌ها و فاضلاب‌های خانگی و شهری از طریق رودخانه‌های منتهی به آن است.

۱۲ رودخانه، فاضلاب شش شهر استان گیلان واقع در حوزه آبخیز تالاب انزلی را وارد این تالاب می‌کنند که شامل رشت، صومعه‌سرا، فومن، شفت، انزلی و ماسال هستند. علاوه بر این‌ها زباله‌هایی که در روستاهای مناطق بالادست در کنار رودخانه‌ها در اثر بی‌دقتی

وبی‌انضباطی و خودپرستی برخی از شهروندان و دهیاران رها می‌شود، باعث شده که سیلاب‌های فصلی بخش زیادی از این زباله‌ها را وارد تالاب انزلی کنند که چهره بسیار ناپسند و زشتی به وجود آورده است.

پاکسازی تالاب انزلی از وجود این زباله‌های انبوه نیازمند وجود وسایل مکانیکی است که این امکانات در اختیار اداره کل محیط زیست گیلان نیست. در واقع این استان و حتی نهاد بنادر و کشتیرانی گیلان نیز فاقد دستگاه‌های لازم هستند. این همه تجربه جهانی و تکنیک ساده جمع‌آوری زباله دریایی، مانند تله‌های رسوب‌گیر که به وفور در دنیا پیدا می‌شود در ایران جهت پاکسازی تالاب انزلی وجود ندارد.

در سال ۱۳۸۷ یک کارخانه کمپوست با ظرفیت ۷۰ تن در منطقه بشمن ساخته شد ولی در ۱۳۹۰ به خاطر زیاده‌روی در ظرفیت آن، کارخانه دستخوش مشکلات عدیده شد و کارش متوقف شد. بنابراین امکان صنعتی برای بازیافت زباله وجود ندارد و رها شدن آن‌ها به ناچار به تالاب انزلی منجر می‌شود. شب هنگام هم کشتارگاه‌ها و مرغداری‌ها به طور مخفیانه پساب‌های خود را در این تالاب بی‌نظیر رها می‌کنند. انگار که نمی‌دانند این پساب‌ها و پسماندها چه بر سر طبیعت می‌آورد و آلودگی ناشی از آن نه فقط زندگی وحش تالاب بلکه همه کسانی را که به نوعی با تالاب سرو کار دارند، به مخاطره می‌اندازد. به علاوه پوشیده شدن سطح آب از گیاه خارجی آزولا، علوفه برای دام‌ها، لایه‌ای نفوذناپذیر را به وجود آورد که تبادل اکسیژن را بین هوا و آب تالاب مختل کرد در نتیجه آبزیان تالابی با کمبود اکسیژن مواجه شدند و بسیاری از این آبزیان مانند انواع ماهی مانند اردک ماهی، سوف، سیم در اثر کمبود اکسیژن دسته دسته تلف شدند.

سال‌ها قبل گرفتن اردک ماهی و سوف برای ماهی‌گیران امری عادی بود، اما اکنون معجزه است. البته کم خرج‌ترین راه مقابله با گیاه آزولا استفاده از حشره‌ای است که از این گیاه تغذیه می‌کند و جلوی رشد آن را می‌گیرد، اما متأسفانه فعالیت مناسبی برای نجات این تالاب بین‌المللی تاکنون صورت نپذیرفته و خفگی آبزیان تشدید شده است.

پاکسازی تالاب انزلی از وجود این زباله‌های انبوه نیازمند وجود وسایل مکانیکی است که این امکانات در اختیار اداره کل محیط زیست گیلان نیست. در واقع این استان و حتی نهاد بنادر و کشتیرانی گیلان نیز فاقد دستگاه‌های لازم هستند. این همه تجربه جهانی و تکنیک ساده جمع‌آوری زباله دریایی، مانند تله‌های رسوب‌گیر که به وفور در دنیا پیدا می‌شود در ایران جهت پاکسازی تالاب انزلی وجود ندارد. به علاوه

باید یادآوری کرد که امروز در جهان زباله‌ها و پساب‌ها، مدیریت اقتصادی و اکولوژیکی میشوند. جداسازی زباله‌های خشک و تر، زباله‌های پلاستیکی و الکترونیکی درآمدزایی داشته و بخش مهمی از زباله طبیعی با استفاده از کرم‌های خاکی به کود آلی تبدیل شده است و در کشاورزی و پوشش‌های گیاهی به‌کار گرفته میشود. در حال حاضر آنچنان زباله‌ها انبوه شده‌اند که طبیعت توان خودپالایی را از دست داده است و بنابراین به بودجه و تکنیک و توانایی حرفه‌ای نیازمند است که تالاب دوباره بتواند نفس بکشد.

✘ انباشت زباله خانگی و صنعتی پرندگان تالاب کاهش می‌یابد

### فقدان بودجه و اراده جهت بهبودی

در ایران محیط زیست فاقد اهمیت اساسی است و هرآینه از مسائل زیست محیطی صحبت شود بیشتر جنبه تبلیغاتی و نمایشی دارد.

مدیران این حکومت برای طبیعت دلشان نسوخته است. پروژه احیا و ساماندهی تالاب به عنوان مصوبه دولت که با اعتبار کشور و استان قرار است طی یک دوره ده ساله انجام شود، در کندی و فرسودگی در جا می‌زنند. دیرزمانی است که قرار است این طرح با رسوب‌برداری، جمع‌آوری آزولا، گیاهان آبی‌زی مازاد و احداث تله‌های رسوب‌گیر در مسیر رودخانه‌های ورودی به تالاب انزلی آغاز شود. این طرح ساماندهی و احیای تالاب انزلی از سال ۸۹ با اعتبار اولیه صدمیلیارد ریال و در قالب شش پروژه در شهرهای انزلی، رشت و صومعه‌سرا آغاز شد، اما سرعت کند، روند نامطلوب اجرای این طرح‌ها و بی‌توجهی مسئولان باعث نگرانی کارشناسان محیط زیست شده است و یکبار دیگر این تجربه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی حساسیتی در اجرای طرح ندارد.

زمین‌خواری یکی دیگر از عوامل فاجعه زیست محیطی تالاب انزلی است. ابراهیم پورمجیب، مسئول پناهگاه حیات‌وحش سلکه که سال‌هاست زندگی‌اش با تالاب گره خورده است، به همشهری می‌گوید: ۲۰ هزار هکتار وسعت کل تالاب آرام‌آرام کوچک و کوچک‌تر میشود و چه بی‌رحماند مردمانی که تنها برای چند متر زمین بیشتر تالاب را می‌خشکانند.

در بسیاری از موارد بودجه دولتی در مورد مدیریت زیست محیطی در نظر گرفته نمی‌شود و آنجا که اندک بودجه‌ای مورد نظر است، اعتبارها در عمل استفاده نمی‌شود و به مصارف دیگر می‌رسند. به عنوان نمونه از محل ردیف اعتبارات خاص معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی

ریاست‌جمهوری بودجه‌ای ناچیز به مبلغ ۹۰ میلیارد تومان جهت تکنیک رسوب‌گیری برای یک دوره پنج‌ساله در نظر گرفته شد. از این میزان طی دو سال گذشته فقط ۱۵ میلیارد تومان مصرف شده است و بقیه بودجه بدون هیچگونه شفافیت در دست جهاد سازندگی قرار دارد. در نظر باید داشت که محدود کردن یا حذف پساب‌های فاضلاب‌های شهری و جلوگیری از ورود آن‌ها به تالاب مستلزم سرمایه‌گذاری جهت احداث تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهر رشت، شیرابه زباله سراوان، پساب کارخانه کمپوست لاکان، پساب‌های کارخانه‌ها و کشتارگاه‌ها و غیره است. بنا به ارزیابی نشریه هم‌شهری، ساختن هر تصفیه‌خانه ۳۰ میلیارد تومان هزینه می‌برد. بنابراین باید ارزیابی از کل نیازها به تصفیه‌خانه‌ها، با هزینه‌های تکنیکی و انسانی لازم را در نظر داشت و سازماندهی جدی و مدیریت علمی و انسانی را مورد توجه قرارداد، تا بتوان تالاب را نجات داد. بهبود شرایط زیست محیطی مستلزم اراده سیاسی روشن و درایت حرفه‌ای و بودجه لازم است. متأسفانه تالاب انزلی هیچگاه به طور جدی مورد توجه دولت قرار نگرفته است.

## زمین‌خواران و فساد اداری

زمین‌خواری یکی دیگر از عوامل فاجعه زیست محیطی تالاب انزلی است. ابراهیم پورمجیب، مسئول پناهگاه حیات وحش سلکه که سال‌هاست زندگی‌اش با تالاب گره خورده است، به هم‌شهری می‌گوید: ۲۰ هزار هکتار وسعت کل تالاب آرام‌آرام کوچک و کوچک‌تر می‌شود و چه بی‌رحماند مردمانی که تنها برای چند متر زمین بیشتر تالاب را می‌خشکانند. دست‌درازی حاشیه‌نشینان به حریم تالاب داستان تازه‌ای نیست از زمانی که تالاب بوده، تصرف و تجاوز به حریم تالاب هم بوده است. کاشتن درخت در همه‌جا تلاشی برای آبادانی است، اما اینجا هر درختی که در حریم آبی تالاب کاشته می‌شود امضایی است در تومار نابودی تالاب. ماجرا از این قرار است که حاشیه‌نشینان تالاب در قسمت‌هایی از حریم تالاب که آب عقب رفته و تبدیل به نزار شده اقدام به کاشت درخت می‌کنند و با این ترفند هم به خشک شدن سریع‌تر این مناطق کمک می‌کنند و هم به بهانه اینکه با درخت‌کاری سبب آبادانی شده‌اند این نقاط را به زمین‌های کشاورزی خود اضافه می‌کنند. (۲۶ آذر ۱۳۸۹)

طرح ساماندهی و احیای تالاب انزلی از سال ۸۹ با اعتبار اولیه  صدمیلیارد ریال و در قالب شش پروژه در شهرهای انزلی، رشت و صومعه‌سرا آغاز شد، اما سرعت کند، روند نامطلوب اجرای این طرح‌ها و بی‌توجهی مسئولان باعث نگرانی کارشناسان محیط زیست شده است و یکبار دیگر این تجربه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی حساسیتی در اجرای طرح

ندارد.

در واقع حریم تالاب به خوبی مشخص است، ولی نشانه‌گذاری صورت نمی‌گیرد، بازرسی وجود ندارد، فساد اداری غوغا می‌کند و زمین دزدی قانون رایج است. به یک نمونه از تبلیغات معاملات املاک توجه کنید: «فاصله زمین تا دریا ۲۰۰ متر و جنب تالاب انزلی - دارای موافقت طرح گردشگری - قابلیت تفکیک به قطعات کوچکتر - دارای ویلا با پایان کار - دارای ۳ استخر ماهی - آب - برق - گاز - تلفن و - چهاردیواری دارای سند دفترچهای و وکالت نامه محضری با قیمت استثنایی فروش یا معاوضه».

زمین‌خواران با امنیت کامل اینچنین تبلیغ می‌کنند تا تالاب حفاظت شده توسط کنوانسیون رامسر تکه تکه شود و سودپرستان به سود کلان دسترسی پیدا کنند. آیا این معاملات از چشم دولت دور است؟ چه کسانی اجازه تفکیک داده‌اند و سند محضری صادر می‌کنند؟ نقش فساد اداری در نابودی تالاب قابل پنهان کردن نیست.

عامل دیگر شوربختی انزلی میان‌گذری است که وزارت راه در دل تالاب ساخته است. علیرغم مخالفت‌ها و حکم توقف فعالیت ساختمانی آن، سوداگران تکنوکرات کله شق دولتی برسر کارند. کنارگذر یا میان‌گذر انزلی زمانی برای این کلنگ احداث آن زده شد تا مسیر دسترسی به انزلی را کوتاه‌تر کند، اما این گذرگاه تنها عمر تالاب انزلی را کوتاه‌تر کرد. سنبه وزارت راه جمهوری اسلامی آنقدر پر زور است که سازمان حفاظت محیط‌زیست یارای برابری با آن را ندارد. کنارگذر انزلی، به جد می‌توان گفت که حتی یک ضابطه زیست‌محیطی هم در ساخت آن رعایت نشده است. تراکتورها برای ساختن آن در تالاب خاکریزی کردند تا پایه‌های راه را استوار کنند. بورکرات‌ها و مهندسان، همانند تراژدی دریاچه ارومیه، با بی‌توجهی و نابخردی تمام به احداث ادامه داده‌اند و به خرابکاری مشغولند. احداث آن گذرگاه تا کنون موجب شده تا تبادل آب میان دو قسمت تالاب انزلی تا حد زیادی قطع شود و همین امر، روند خشک شدن تالاب را تسریع کرده است.

### **دو عامل خطر: سازمان‌های دولتی و بی‌فرهنگی مردم**

دستاندازی بشر به طبیعت بیش از ظرفیت آن بوده است. تالاب انزلی در واقع مانند رحم عمل می‌کند و حیات طبیعت را بارور می‌سازد و از این رو از بین بردن آن بدون شک نابودی طبیعت را به دنبال خواهد داشت. به عنوان نمونه بسیاری از ماهی‌های دریای مازندران در تالاب انزلی

تخم‌ریزی کرده و سپس این نوزادان وارد دریا می‌شوند. نمونه دیگر اینکه پرندگان در گل‌های نیلوفر آبی تخم می‌گذارند ولی قایق‌های موتوری با سرعت بالا موج ایجاد می‌کنند و بوته‌ها را می‌لرزانند و تخم‌ها را به درون آب می‌اندازند. این قایقرانی تفریحی طبیعت کش را باید متوقف ساخت و به جای آن، تنها از قایق‌های بی‌موتور با پارو استفاده کرد.

ایرانیان اغلب رابطه قهرآمیز با طبیعت و اجزای آن دارند؛ با تیرکمان باید گنجشگ را مورد هدف قرارداد و کشت. سگ را باید زد و کشت. به طرف گربه باید سنگ انداخت. درختان را باید شکست. آب را باید هدر داد و در آن شاشید. کوه‌ها را باید با ریختن اشغال کثیف کرد. در رود خانه‌ها باید زباله و کثافت ریخت. در رودبارها باید پساب‌ها و گندآب‌ها را رها کرد. جنگل را باید خشک کرد و ساختمان سازی کرد. در تالاب برای تفریح شخصی باید موتور گازوئیلی به‌کار گرفت و حیوانات را ترساند و پرندگان را کوچ داد.

در ایران غفلت ۵۰ ساله و تشدید فاجعه در سی سال اخیر در زمینه حفاظت از محیط زیست و تالاب‌ها خانمانسوز بوده است. دو عامل مهم در این فاجعه دست داشته‌اند.

سازمان‌های دولتی نقش بسیار فعال در تخریب محیط زیست داشته‌اند و دارند و اولین اقدام برای حفاظت از محیط زیست ایران بیرون کردن سازمان‌های دولتی مانند وزارت نیرو و وزارت راه از هرگونه پروژه زیست محیطی است. مغزهای تکنوکرات و سودپرست اینان بدون هیچ نگرانی تمامی محیط زیست را برای تخریب می‌خواهند. دولت و سازمان‌های دولتی ویرانگر هستند. تخریب دریاچه ارومیه و گسترش ریزگردهای سرطان زا قبل از هرچیز نتیجه سیاست‌های حکومتی و بی‌مسئولیتی حاکمان است. اگر تالاب انزلی بیمار است، این امر به طور مستقیم نتیجه بی‌همتی و بی‌لیاقتی جمهوری اسلامی و سازمان‌های آن مانند وزارت راه و عدم احترام به پیمان بین‌المللی ۱۹۷۱ رامسر است.

دومین عامل، نقش مخرب بسیاری از ایرانیان ناآگاه است. مسئله این است که در جامعه تلاش فرهنگی و آموزشی کافی صورت نگرفته است و بی‌مسئولیتی بیداد می‌کند. نابودی منابع طبیعی نشانه پیروزی سودآوری و مصرف‌پرستی بوده است. بی‌توجهی و نابودی محیط زیست بیانگر ناآگاهی عمیق در جامعه است. ایرانیان اغلب رابطه قهرآمیز با طبیعت و اجزای آن دارند؛ با تیرکمان باید گنجشگ را مورد هدف



قرارداد و کشت، سگ را باید زد و کشت، به طرف گربه باید سنگ انداخت، درختان را باید شکست، آب را باید هدر داد و در آن شاشید، مواد خوراکی را باید حیف و میل کرد، کوه‌ها را باید با ریختن اشغال کثیف کرد، در رودخانه‌ها باید زباله و کثافت ریخت، در رودبارها باید پساب‌ها و گندآب‌ها را ریخت، جنگل را باید خشک کرد و ساختمان سازی کرد، در تالاب برای تفریح شخصی باید موتور گازی و بی‌کربن و حیوانات را ترساند و پرندگان را کوچ داد.

این است متأسفانه تربیت منحنی بسیاری از هموطنان ما، شگفتا که این‌همه ویرانگری، اینان را به درد نمی‌آورد، شگفتا که این فاجعه‌های زیست محیطی برای اینان امور پیش پا افتاده به حساب می‌آیند، حق مردم است که از رفاه مادی و کیفیت غذایی برخوردار باشند و از خوردن مرغ که در دست احتکارگران خصوصی و دولتی افتاده بهره‌مند باشند و همانگونه که در خراسان اعتراض کردند بر حق خود پافشاری کنند، ویرانگری‌های زیست محیطی در ایران اما هزاران بار برای زندگی انسان‌ها خطرناک‌تر و دلخراش‌تر است و شگفتا که این واقعیت دل‌گزا هموطنان را با اعتراض نمی‌کشانند.

کشور ما از فرهنگ زیست محیطی، بسیار دور است و روشنفکران و سیاسیون ما از عقب‌ماندگی فکری عظیمی در این زمینه برخوردارند، آنان سیاست‌زدگان بیمارگونی هستند که هزاران خطابه درباره ریش و عمامه و رساله فلان آیت‌الله حکومتی خواهند نوشت و اثبات خواهند کرد که چرا موضع فلان فرد حکومتی معضل عصر ماست، ولی دلشان برای آب و هوای آلوده و جنگل و تالاب سوخته و بیماری‌های ناشی از این فجایع نمی‌سوزد، تالاب انزلی در بی‌توجهی دولتیان و شهروندان آهسته آهسته می‌میرد، بخود بیاییم، تالاب انزلی را باید نجات داد، این تالاب بین‌المللی در حال حاضر از طرف سازمان ملل در «فهرست مونترال» قرار گرفته است و این بدان معناست که «تالاب در حال خشک شدن است» و بدینگونه است که ایران گنجینه‌های طبیعی خود را از دست می‌دهد.